

بررسی نقش آموزش‌های احزاب سیاسی در کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر آموزش سیاسی

مصطفی معینی آرانی*، جهانبخش محبی‌نیا**، احمدبخشایشی اردستانی*** و کاظم جلالی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۹	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۳۰	شماره صفحه: ۲۰۹-۱۷۷
-------------------	------------------------	------------------------	---------------------

مجلس شورای اسلامی به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد سیاستگذاری در کشور با کارویژه‌های مهمی نظیر قانونگذاری، نظارت و نمایندگی به‌زعم منتقدان همچنان با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده که کارآمدی آن را تحت تأثیر قرار داده است. به نظر می‌رسد یک راه‌حل آموزش نمایندگان از سوی احزاب سیاسی است. این پژوهش با هدف بررسی نقش این آموزش‌ها بر کارآمدی مجلس درصدد پاسخ به این سؤال است که چگونه کارویژه آموزشی احزاب سیاسی به‌ویژه آموزش سیاسی و مؤلفه‌های آن می‌تواند به کارآمدی مجلس منجر شود؟ در این پژوهش از روش توصیفی-پیمایشی و نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده شده و با به‌کارگیری آزمون‌های آنالیز واریانس یک‌طرفه و آزمون T یک‌طرفه و زوجی به ارزیابی هرکدام از شاخص‌ها پرداخته شده است. جامعه آماری مقاله نخبگان و فعالان حوزه سیاسی و حجم نمونه نیز ۳۴۴ نفر و با استفاده از فرمول کوکران تعیین شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش‌های احزاب به‌ویژه آموزش‌های سیاسی مشتمل بر مؤلفه‌های دانش سیاسی، نگرش سیاسی، مهارت سیاسی و رفتار سیاسی به کارآمدی نمایندگان و در نتیجه مجلس شورای اسلامی منجر می‌شود. نتایج نشان می‌دهد حدود ۶۰ درصد جامعه تمایل بالایی به استفاده از آموزش سیاسی توسط احزاب سیاسی در بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی دارند. ضریب بتای اثرگذاری کیفیت آموزش سیاسی بر روی کارآمدی مجلس ۴۷٪ است که براساس میزان کیفیت آموزش سیاسی، رابطه معناداری با شاخص کارآمدی مجلس شورای اسلامی دارد. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده که نشان‌دهنده وجود رابطه مستقیم است.

کلیدواژه‌ها: احزاب سیاسی؛ آموزش سیاسی؛ کارآمدی؛ مجلس شورای اسلامی

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)؛
Email: mostafamoeini43@gmail.com

** استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛
Email: jah.mohebinia@iauctb.ac.ir

*** استاد دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛
Email: ahm.bakhshayeshiardestani@iauctb.ac.ir

**** استادیار دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛
Email: kaz.jalali@iauctb.ac.ir

مقدمه

جهت‌گیری کلی نهاد مجلس در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، حرکت به سوی کارآمدی^۱ و عملکرد مطلوب است که از راه‌های مختلفی این هدف را دنبال می‌کند. یکی از راهکارهای پیش روی مجالس قانونگذاری بهره‌مند شدن از ظرفیت‌های آموزشی است. مجلس می‌تواند با بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری احزاب سیاسی^۲ در بخش‌های آموزشی، اقدامات مطلوبی را برای کارآمدی بیشتر اعمال کند. آموزش‌های احزاب سیاسی یکی از نقش‌ها و کارکردهای مهم احزاب سیاسی است.

آموزش نمایندگان به معنای تلاش برای افزایش توانایی اعضای مجلس جهت برخورد معنادار با مسائل در بخش‌های خارج از حوزه تخصصی مشخص آنان است. نمایندگان همچون وزرا به‌طور اجتناب‌ناپذیری در همه حوزه‌های تحت مسئولیتشان متخصص نیستند. فقط در صورتی می‌توان از قوه مقننه انتظار داشت نقش مهمی در نهاد‌های یک کشور ایفا کند که دانش نسبی در مورد موضوعات مهم در اختیار داشته باشد.

نمایندگانی که به تازگی انتخاب شده‌اند ممکن است با نقش‌ها و وظایف مجلس ناآشنا باشند یا امکان دارد قوه مجریه نسبت به تسهیم قدرت با مجلس محتاط باشد. در عین حال حوزه انتخابیه هم ممکن است انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای از مجلس داشته باشد. از این رو لازم است حزب توانایی این سیاستمداران را برای انجام نقش جدیدشان در مجلس افزایش دهد.

در دموکراسی‌های امروزی نمایندگان در مجلس به‌طور مداوم با موضوعات و سؤالات جدیدی روبه‌رو می‌شوند و ضروری است تا در قبال تحولات روزانه جاری و تغییرات اجتماعی موضع بگیرند. از این رو لازم است تا احزاب گام‌های پیشگیرانه و اقدامات احتیاطی را در راستای آمادگی نمایندگان و اعضای خود با این چالش‌های جدید و نیز پذیرش مسئولیت در درون و بیرون احزاب بردارند. این امر ناشی از وظیفه آموزش احزاب است (Hofmiester and Grabow, 2011: 37).

مجلس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران از جایگاه و قدرت بسیار بالایی

-
1. Effectiveness
 2. Political Parties

برخوردار است؛ به طوری که براساس قانون اساسی قابل انحلال نیست و به تعبیر امام خمینی، مجلس در رأس همه امور واقع است (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۱۵). مجلس وظایف و اختیارات قانونی زیادی دارد تا جایی که بیش از پنجاه اصل قانون اساسی صریحاً به حدود وظایف و اختیارات مجلس اشاره می‌کند مانند وضع قانون، تصویب بودجه، حق تحقیق و تفحص در همه امور کشور، تصویب عهدنامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و رأی اعتماد به وزیران و استیضاح آنان. گفتار، کردار و موضع‌گیری‌های نمایندگان مجلس نیز بازتاب و آثار گسترده‌ای در جامعه دارد؛ به نحوی که هم می‌تواند منشأ وفاق ملی، آرامش و اعتماد عمومی باشد و هم عاملی برای دودستگی و اضطراب در میان مردم و مسئولان. از طرف دیگر به عقیده منتقدان در برخی از ادوار، مصوبات مجلس فاقد دوراندیشی، انسجام و جامع‌نگری لازم و در مواردی متناقض با مصالح کلی نظام بوده است. گاهی مصوباتی در دستور کار مجلس قرار گرفته که نه تنها مبتنی بر شناخت ضرورت‌ها و درک موقعیت‌های زمانی صحیح نبوده، بلکه به هیچ وجه اولویت جامعه نیز محسوب نمی‌شده است. در برخی مواقع نظارت مجلس بر دولت و کارگزاران ملی از لحاظ عملکرد مالی و سیاسی ضعیف بوده است. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین دلیل نواقص مذکور عدم شایستگی نمایندگان مجلس است (دانایی‌فرد، آذر و شیرزادی، ۱۳۹۱: ۸). با توجه به چالش‌های پیش روی مجلس و نمایندگان در سال‌های اخیر از قبیل نوآوری‌های فنی، دگرگونی ارزش‌ها و تغییر مرزهای سیاسی و اقتصادی جهان؛ لازم است تا مجلس و نمایندگان با پیچیدگی‌ها و تغییرات پیش‌آمده هماهنگ باشند و شایستگی‌های لازم را داشته باشند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

ارتقای شایستگی و توانمندی‌های نمایندگان مستلزم آموزش و تربیت آنان است و این امر باعث بهبود عملکرد مجلس خواهد بود (فیاضی و حق‌شناس گرگانی، ۱۳۹۶: ۴ به نقل از مندلبوم و ویسلو^۱، ۲۰۱۶). در صورت وجود نمایندگانی ناتوان و ناشایست با مجلسی ضعیف و ناکارآمد روبه‌رو خواهیم بود و برعکس در صورت وجود نمایندگانی توانا با مجلسی مؤثر مواجه خواهیم شد (Coghill et al., 2007). گرچه آموزش سیاسی از سوی نهادهای

مختلفی نظیر رادیو، تلویزیون، مدارس، دانشگاه‌ها و مطبوعات انجام می‌شود ولی باید توجه داشت که آموزش‌های حزبی است که تا حد زیادی با عمل توأم می‌باشد به ویژه آن که ورود به صحنه سیاست بیشتر با راهبرد، روش و شگردهای خاصی همراه است که در مجامع علمی کمتر از آن بحث می‌شود. احزاب سیاسی این زمینه را برای مردم و نمایندگان آنها فراهم می‌کنند.

در رابطه با «رابطه آموزش احزاب سیاسی و کارآمدی مجلس شورای اسلامی» تاکنون تنها گزارش کارشناسی غلامرضا ابراهیم‌آبادی با عنوان «نقش و جایگاه احزاب در تقویت و کارآمدی مجالس قانونگذاری» از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده و کتاب، پژوهش یا حتی پایان‌نامه‌ای در این باره انجام شده است.^۱ ابراهیم‌آبادی در گزارش مذکور به نقش‌های مختلف احزاب در پارلمان اشاره کرده است از قبیل نقش احزاب در «پاسخگو کردن هرچه بیشتر مجلس»، «بهبود فرایند سیاستگذاری در مجلس»، «تسهیل زمینه‌های اقدام مشترک جمعی»، «رفع مناقشات و حل تعارضات در مجلس و تسهیل در فرایند رأی‌گیری»، «ساماندهی داخلی پارلمان و مجالس قانونگذاری»، «استخدام و جذب نیروهای سیاسی»، «شفاف‌سازی مالی نمایندگان» و «آموزش سیاسی نمایندگان». این گزارش در قالب رهیافتی تطبیقی و با ذکر مصادیق و داده‌ها با استفاده از روش کیفی نقش احزاب را در ارتقای کارآمدی مجالس بررسی کرده است و در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آن اعلام داشته «بی‌شک فقدان تحزب در کشور و نبود نظام حزبی شفاف و عدم انتخاب نمایندگان پارلمان براساس یک نظام حزبی، کارآمدی مجلس را تحت تأثیر قرار داده و در روند کارکرد آنها اختلال ایجاد می‌کند» (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۹).

سؤال اصلی این پژوهش که در پی پاسخ به آن است این‌گونه می‌توان مطرح کرد که نقش آموزش‌های احزاب سیاسی در کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی چیست؟ این سؤال محوری می‌تواند به این سؤالات فرعی تجزیه شود که حزب سیاسی چیست و دارای

۱. مکاتبه مرکز مدارک علمی ایران (ایران‌داک) با تأییدیه شماره ۱۰۴۳۱۷۴۹ مورخ ۱۳۹۷/۹/۱۵، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات علمی ایران به پژوهشگر.

چه کارکردهایی است؟ آموزش سیاسی چیست و چه مؤلفه‌هایی دارد؟ کارآمدی به چه معناست و وظایف و اختیارات مجلس کدام‌اند؟ مدعا و مفروض پژوهش حاضر متناسب با سؤالات مزبور این است که احزاب سیاسی از طریق آموزش سیاسی نمایندگان باعث کارآمدی مجلس شورای اسلامی می‌شوند. این پژوهش جهت پاسخ به سؤال و آزمون فرضیه مذکور به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش از روش توصیفی - پیمایشی و نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است و اطلاعات مورد نیاز این پژوهش به دو طریق اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی به دست آمده است.

۱. تعریف مفاهیم

برای شروع هر پژوهش و بررسی در هر حیطه‌ای، نظامی از واژه‌ها و مفاهیم ضروری است که آن را کارپایه یا چارچوب مفهومی نامیده‌ایم. نظام واژگان و مفاهیم، زبان گفتگو و یافتن راه عملی و اجرایی است (غلامی، ۱۳۹۷: ۸).

۱-۱. حزب سیاسی

تعاریف متعددی از حزب به معنای امروزی از طرف پژوهشگران ارائه شده است. نخستین تعاریف حزب سیاسی از سازمان‌گرایان^۱ است که مبتنی بر ساختار تشکیلاتی و سازمان احزاب است. نظریه‌های اندیشمندانی مانند میخلز^۲، موریس دوورژه^۳، لاپالومبارا^۴ و واینر^۵ در این دسته قرار دارند. گروه دیگر کارکردگرایان^۶ هستند، آنها بر این عقیده‌اند فصل ممیز احزاب از دیگر گروه‌های اجتماعی و سیاسی را باید در کارویژه‌ها و نقش‌های جدیدی جست‌وجو

1. Organizationalists

2. Ichels

3. Duverger Moris

4. Lapalombara

5. Weiner

6. Functionalists

کرد که احزاب نوین برعهده دارند. تعاریف سورف^۱، اپشتاین^۲ لاوِسْن^۳ و مِرْتْن^۴ در زمره این گروه هستند. گروه دیگر محققانی هستند که از منظری جامعه‌شناسانه به مطالعه احزاب سیاسی پرداختند. محققانی نظیر استین روکان^۵ و دانیل لویی سیلر^۶ در این دسته هستند. دسته دیگر از تعاریف از سوی کسانی ارائه شده که با بینشی اقتصادمحور^۷ به تحلیل احزاب سیاسی می‌پردازند. ماکس وبر^۸، دانیل کولاس و دانیل گاکسی^۹ دارای چنین رویکردی هستند.

با توجه به اینکه حزب یکی از تشکل‌های جامعه است و هر تشکلی با سه عنصر ساختار، کارویژه و اهداف از یکدیگر متمایز می‌شوند، می‌توان از نگره‌های مختلف یاد شده برای ارائه تعریفی جامع از احزاب سیاسی استفاده کرد. بنابراین حزب سیاسی تشکلی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد: الف) از نظر ساختاری دارای سازمانی مستمر و بادوام باشد که بتواند عمری طولانی‌تر از بنیان‌گذارانش داشته و علاوه بر مرکز سیاسی، شعباتی نیز در سطح کل کشور داشته باشد (همان‌گونه که توسط لاپالومبارا و واینر بیان شده است).

ب) از نظر کارکردی درصدد بسیج کردن افراد برای دستیابی به مقام‌های دولتی باشد (همان‌گونه که در اغلب تعاریف مورد توجه قرار گرفته است).

ج) از نظر اهداف دارای برنامه و طرح‌هایی باشد که به نام آنها خواهان بسیج رأی‌دهندگان بوده و قدرت‌طلبی خود را توجیه کند. معمولاً احزاب برنامه‌های خود را به نام منفعت عامه توجیه و این برنامه‌ها را تنها راه تأمین منافع عمومی اعلام می‌کنند. حزب به این معنا اگرچه بی‌ارتباط با مفهوم لغوی و گسترده خود نیست اما تفاوت‌های بنیادینی با آنها دارند و پدیده جدیدی است که

-
1. Sorauf
 2. Epstein
 3. Lawson
 4. Merton
 5. Estein Rokkan
 6. Seiler D. L.
 7. Economical
 8. Max Weber
 9. Koulas and Gaxie

ریشه در تاریخ سیاسی جوامع غربی دارد (ایوبی، ۱۳۷۹: ۵۰-۴۸). حزب سیاسی به این مفهوم موضوع پژوهش حاضر است.

۱-۲. کارویژه‌های احزاب سیاسی

احزاب سیاسی دارای کارکردهای مهمی است که آنها را زیر دو عنوان کلی تقسیم می‌کنیم؛ یکی کارویژه‌های عام که مربوط به همه احزاب بوده و مدنظر همه نظریه‌پردازان هست و دیگری نظریه‌های مختلف در مورد کارکرد احزاب که مورد نظر برخی از نظریه‌پردازان است.

۱-۲-۱. کارویژه‌های عام احزاب

منظور همان کارویژه‌هایی است که منطقاً در همه جا از پدیده مورد نظر انتظار می‌رود. از این رو می‌توان آنها را به کارویژه‌های انتخاباتی و اجتماعی - آموزشی تقسیم کرد.

۱-۲-۱-۱. کارویژه‌های انتخاباتی

کارکردهای انتخاباتی عموماً بیشتر از دیگر کارکردهایی که احزاب به تدریج و با گذشت زمان به آنها می‌پرداختند، مورد توجه بوده است. این عملکرد شامل موارد ذیل است:

الف) شکل‌دهی به افکار عمومی

افکار عمومی شامل نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای عموم مردم است (بشیریه، ۱۳۸۴: ۴۰۹). مهمتر از انتخابات، نقش‌آفرینی حزب از نظر اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی افکار عمومی است. بدون افکار عمومی و جهت دادن به آن مسئله انتخابات معنا پیدا نمی‌کند زیرا انتخابات به معنای وجود بدیل‌های مختلف و اطلاع‌انتخاب‌گرا از این بدیل‌ها و پیامدهای آنهاست (حسینی، ۱۳۷۸: ۶۴). به بیان دوورژه «بدون وجود احزاب، افکار عمومی متغیر است» (دوورژه، ۱۳۷۵: ۳۹۷).

ب) گزینش و معرفی کردن نامزدها

پیچیدگی گزینش و زندگی سیاسی، گسترش جوامع، انفکاک ساختاری و تخصصی شدن

نقش‌ها ایجاب می‌کند که هر صاحب نقشی به منظور انجام وظایف تعریف شده برای هر نقش، آموزش و تربیت مناسب را دیده باشد. تربیت نیروهای سیاسی حرفه‌ای و معرفی آنها به عنوان نامزدهای انتخاباتی، یکی دیگر از فعالیت‌های احزاب به شمار می‌رود. در یک جامعه گسترده و چندمیلیونی احزاب سیاسی بهترین معرف نامزدهای نمایندگی هستند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۰۷). حزب‌ها «ساختارهای فرصت سیاسی» برای رهبران حال و آینده می‌آفرینند و با تربیت رهبران آینده و کنار گذاشتن رهبران کم‌توان به نظام سیاسی کمک می‌کنند (بال و گای‌پیترز، ۱۳۸۴: ۱۲۴).

ج) ترتیب و تنسيق رفتار و مواضع انتخاب‌شوندگان

رسیدگی به برنامه‌های نمایندگان در مجلس و هماهنگ کردن آنها در اتخاذ مواضع و ممانعت از تفرقه و اختلاف در میان نمایندگان عضو، کارکرد حزب در این مرحله است که این مسئله موجب ثبات و شفافیت بحث‌ها و جبهه‌گیری‌ها در مرکز تصمیم‌گیری می‌شود. در انگلستان، احزاب از طریق ناظری که به آن ویپ^۱ می‌گویند نظارت دقیقی بر رفتار و موضع‌گیری نمایندگان اعمال می‌کنند.

۱-۲-۱-۲. کارویژه‌های اجتماعی - آموزشی

با گسترش دامنه فعالیت تحزب‌گرایی، احزاب کم‌کم به بازیگرانی فعال و چندکاره تبدیل شدند که موجب شد به تدریج به ایفای نقش‌های جدید و به مراتب فراتر از امور انتخابات پیردازند. کارویژه‌های اجتماعی - آموزشی احزاب عبارتند از:

الف) اطلاع‌رسانی

احزاب مردم را از تصمیمات و مقاصد قدرت سیاسی آگاه کرده و به آنان در تأیید تصمیمات دولت یا نقد و نفی آن کمک می‌کنند. اطلاع‌رسانی احزاب امروزه با نظام مطبوعات و رسانه‌ای رابطه تنگاتنگی

دارد. معمولاً هر حزبی دارای روزنامه و سایت مخصوص به خود است که معرف آرا و نظریات حزب بوده و اعضای حزب نیز جزء مشتریان نسبتاً ثابت آن هستند. (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۴).

ب) تربیت و آموزش سیاسی نامزدها

احزاب با شناسایی، گزینش و تربیت افراد عضو حزب؛ آنان را برای وظایف نمایندگی، رهبری و کسب مدیریت‌های دولتی آماده می‌کنند. به عبارت دیگر احزاب همچون مدرسه سیاسی و تجسم ایده افلاطون در مورد آکادمی نخبه‌سازی عمل می‌کنند. به گفته پالمر «احزاب منبع سرشار تأمین رهبران به خوبی آزمون شده برای سیستم سیاسی هستند» (Palmer, 1989: 200). احزاب با عضوگیری، آموزش و ساماندهی علاقه‌مندان به قدرت سیاسی؛ آمادگی لازم را در آنها برای تحرک سیاسی و تصدی مقامات سیاسی ایجاد می‌کنند.

ج) آموزش (نظری و عملی) توده‌ها

حزب دارای نقش آموزش نظری و عملی توده‌ها در حوزه مشارکت سیاسی است و انگیزه لازم برای این امر را فراهم می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۶). به این معنا که علاوه بر تربیت یک هیئت سیاسی حرفه‌ای و مجرب که آینده سیاسی کشور را تضمین می‌کند، توده‌های حزبی به نگرش و بینش سیاسی دست پیدا کرده و می‌توانند مسائل سیاسی را تجزیه و تحلیل کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۰۹-۲۰۸). آموزش‌های حزبی تا حد زیادی با عمل توأم بوده و به «مشارکت سیاسی»^۱ ختم می‌شود (همان، ۱۳۷۸: ۷۴).

د) ادغام اجتماعی

ادغام اجتماعی فرایندی است که به موجب آن گروه‌های کنار گذاشته شده در اجتماع نهایی یک جامعه، با آن همبستگی پیدا می‌کنند (Alexander, 1990: 266). نقش احزاب سیاسی در روند ادغام سیاسی ممکن است در سه سطح فردی، گروهی و جمعی صورت پذیرد. جامعه‌پذیری فرد

یکی از آثار وضعی ورود به حزب است. در سطح گروهی نیز حزب می‌تواند محل تلاقی، اختلاط و تعاطی افکار گروه‌های مختلف اجتماعی قرار گیرد. در سطح جمعی نیز حزب نقش مؤثری در جدا کردن افراد از تعلقات و وفاداری‌های محلی و پیوند آنها با منافع و هویت ملی دارد.

۲-۱-۲. کارویژه‌های مربوط به نظریه‌های مختلف در مورد کارکرد احزاب

گرچه احزاب در ارتباط با انتخابات شکل گرفتند ولی درعین حال حزب مانند هر سازمان دیگری پس از آنکه شکل گرفت و رشد یافت، به ایفای نقش‌هایی می‌پردازد که در آغاز تصور آن انتظار نمی‌رفت. اهم این کارویژه‌ها را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- کارویژه تجميع منافع^۱ (نظریه آلموند و پاول): به این معنا که منافع و نظریات مختلف پراکنده در جامعه ابتدا در گروه‌های صنفی و انتفاعی با یکدیگر مرتبط شده سپس در قالب احزاب یکپارچه می‌شوند و به سیستم انتقال می‌یابند (Almond and Powell, 1966: 99).

- کارویژه‌های پنهان^۲ (نظریه رابرت کینگ مِرتن): یعنی عملکردهایی که از یک سازمان یا نهاد خاص انتظار نمی‌رود و جزء شرح وظایف آن نیست اما به تدریج به آنها می‌پردازند و ناظران هم کمتر به آن توجه می‌کنند (Merton, 1956: 126).

- کارویژه‌های حکومتی احزاب^۳ (نظریه پیتر مرکل): این نظریه را در واقع باید جمع‌بندی نظریات اندیشمندان قبل از او دانست (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۹ به نقل از Mercl, 1970: 104-109).

- کارویژه سوپاپ اطمینان^۴ (نظریه ژرژ لاوو): احزاب سیاسی مخالف می‌توانند نقش مهمی مانند سوپاپ اطمینان همچون «تریبون پلبها» در جمهوری رم باستان ایفا کنند و به‌طور غیرمستقیم نیز در تقویت و تحکیم نظام سیاسی و ثبات اجتماعی مؤثرند (همان: ۸۲ به نقل از Lavau, 1969: 36-44).

1. Interest Aggregation
2. Hidden
3. The Government Functions of the Parties
4. Safety Valve

۱-۳. کارآمدی

کارآمدی از نظر لغوی به معنای کاردانی، کارآزمودگی، شایستگی و آنچه سودمند باشد، آمده است (عمید، ۱۳۶۳: ۱۶۰۲). در مفهوم اصطلاحی نیز کارآمدی بیشتر در قلمرو مدیریت، اقتصاد و سیاست کاربرد دارد.

علم مدیریت این مفهوم را به اثربخشی و تأثیرگذاری ترجمه کرده و میان آن با کارایی تفاوت قائل است. گفته‌اند: «کارآمدی، شایستگی و کاردانی در تأمین اهداف و کارایی، شایستگی در مصرف منابع و بهره‌برداری بهینه از آن است» (رضائیان، ۱۳۷۹: ۱۹).

در فرهنگ علوم سیاسی این اصطلاح به اثربخشی، تأثیر، توانایی نفوذ، کفایت، قابلیت و لیاقت معنا شده است (آقابخشی، ۱۳۷۹: ۴۴۶). لیست نیز کارآمدی را این‌گونه تعریف می‌کند: «تحقق عینی یا توان نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت به‌گونه‌ای که اکثریت مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را عیناً مشاهده کنند» (لیست، ۱۳۷۴: ۱۱). عبدالحمید ابوالحمد می‌گوید «نظام سیاسی وقتی کارایی دارد که بتواند وظیفه‌هایی را که بیشتر مردم یا حکومت‌شوندگان از آن متوقع است، انجام دهد» (۱۳۸۴: ۲۴۷) بنابراین مجلس به‌عنوان بخشی از حکومت و نظام سیاسی وقتی کارآمد است که بتواند وظایفی را که بیشتر مردم از آن متوقع‌اند انجام دهد.

به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران کارآمدی عبارت است از کسب هدف‌های تعیین شده و رضایت خاطر کسانی که در رسیدن به اهداف نقش دارند (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳: ۵۷۵). در واقع پشتیبانی واقعی و عینی مشروعیت هر نظامی وابسته به کارآمدی آن است (رضایی مهر، ۱۳۸۰: ۹). به عبارتی کارآمدی میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و یا انجام مأموریت است که درجه رسیدن به اهداف را نشان می‌دهد (معینی، ۱۳۷۰: ۱۵۵). این مفهوم همچنین دربرگیرنده مفهوم پارلمان مطلوب است زیرا پارلمان مطلوب نیز ناظر به اهداف مطلوب و مورد انتظار از مجلس است که افراد یا گروه‌ها از لحاظ نظری و عملی به دنبال آن هستند؛ بنابراین مجلس شورای اسلامی وقتی کارآمد است که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم از آن توقع دارند، انجام دهد.

درباره تبیین کارآمدی نظریه‌های مختلفی چون توفیق^۱، سیستم^۲، رضایت^۳، نسبت^۴، ذاتی عملی^۵، انجام تکلیف^۶ و «میزان اثرگذاری در روند امور»^۷ ذکر شده است. به نظر می‌رسد ترکیبی از «نظریه سیستم» که کارآمدی در این نظریه به قابل تبیین بودن ارتباط خروجی و ورودی آن وابسته است و «نظریه رضایت» که کارآمدی در آن مبتنی بر رضایت عناصر مؤثر در بقای آن است و با توجه به تعریف نگارندگان پژوهش از کارآمدی که در تعریف لیپست و عبدالحمید ابوالحمد مندرج است، می‌تواند نظریه مناسبی برای سنجش کارآمدی مجلس شورای اسلامی باشد.

۴-۱. صلاحیت، اختیارات و وظایف نمایندگی

نخستین بار توماس هابز^۸ مفهوم «نمایندگی»^۹ را مطرح کرد (بشیریه، ۱۳۸۴: ۳۴۲). واژه «نماینده»^{۱۰} در لغت به معنای «آنکه می‌نماید و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده و ...» است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۱۰۵). در ادبیات حقوقی «نماینده» به‌عنوان کسی است که عملی حقوقی برای دیگری و به نام او انجام دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۶۹). بنابر مراتب فوق می‌توان مدعی شد نمایندگی سیاسی به سازوکاری اطلاق می‌شود که برای مردم، امکان شرکت در اداره جامعه را از طریق انتخاب نمایندگان خود فراهم می‌کند (دلیر، ۱۳۸۸: ۳۴). در ایران نیز مجلس شورای اسلامی عهده‌دار نمایندگی از جانب مردم، قانونگذاری و همچنین نظارت بر حکمرانی مقامات اجرایی و قضایی است که به اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.

-
1. Goal-Attainment
 2. System Theory
 3. Satisfaction Theory
 4. Theory of Relativity
 5. Action Theory Approach to Effectiveness (ATAE)
 6. Theory of Doing Homework
 7. Theory of Effectiveness in the Affairs Process
 8. Hobbes Thomas
 9. Representation
 10. Representative

جدول ۱. وظایف و صلاحیت‌های مجلس

مستند قانونی*	توضیحات	انواع و ابعاد	وظایف و صلاحیت‌های مجلس
اصل (۷۱)		قوانین معمولی	قانونگذاری
	قانون اساسی در برخی از اصول جهت کلی را کاملاً مشخص کرده ولی ذکر کلیات، تفصیل مطالب و یا سازماندهی اصل مورد نظر را برعهده مجلس قرار داده است مانند موضوع مطبوعات (اصل ۲۴)	قوانین خاص و سازمان‌دهنده	
اصل (۸۵)		قوانین تفویضی	
اصل (۷۳)		تفسیر قوانین	
ماده (۲۰۲) اصل (۱۳۳) قسمت اول اصل (۸۸)	قوه مقننه با استفاده از شیوه‌های نظارتی خاص، قوه مجریه و اقدامات آن را زیر نظر می‌گیرند. نظارت مجلس به اختصار عبارتند از: ۱. نظارت بر تشکیل دولت: الف) تسلیم برنامه دولت به مجلس ب) رأی اعتماد به وزیران ج) رأی اعتماد به هیئت وزیران	تأسیسی	نظارت
اصل (۱۳۶) قسمت دوم اصل (۸۷)	۲. نظارت بر تغییرات و اختلافات دولت: الف) در تغییر وزرا ب) در مسائل مهم و مورد اختلاف		
اصل (۹۰) ماده (۲۰۶) مواد (۲۰۷ تا ۲۱۱) اصل (۷۶) و مواد (۲۱۲ تا ۲۱۵)	- اطلاعات مردمی (شکایات مردم از طرز کار قوای مجریه و قضائیه و مجلس) - ابتکار نمایندگان در کسب اطلاع الف) تذکر: جلوه کسب اطلاع را ندارد اما حق تذکر برای نماینده در صلاح‌اندیشی و در گوشزد کردن موارد تخلف می‌تواند مقدمه‌ای برای نظارت بر سیاست‌های عمومی و برنامه‌های دولت و ارزیابی عملکرد مسئولان به شمار آید (حبیبی، ۱۳۶۴: ۳۵). ب) سؤال ج) تحقیق و تفحص	اطلاعی	

مستند قانونی*	توضیحات	انواع و ابعاد	وظایف و صلاحیت‌های مجلس
اصول (۷۷ و ۱۲۵) اصل (۷۸) اصل (۷۹) اصل (۱۳۹) به ترتیب اصول (۸۰، ۸۲ و ۸۳) اصل (۸۱) و تفسیر شورای نگهبان در این باره	یعنی اعمال مورد نظر فقط با کسب اجازه قبلی و تصویب مجلس قابل اجراست از جمله آن: اول: نظارت بر معاهدات و قرارداد‌های بین‌المللی دوم: نظارت بر تغییر خطوط مرزی سوم: نظارت بر برقراری حالت فوق‌العاده و محدودیت‌های ضروری چهارم: نظارت بر صلح‌دعای مالی یا رجوع آنها به داوری پنجم: نظارت بر برخی دیگر از اعمال دولتی همچون قرض و استقراض کمک بلاعوض، استخدام کارشناسان خارجی، فروش بناها و اموال دولتی ششم: نظارت بر دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات به خارجیان	استصوابی	
اصل (۵۲) و مواد (۱۸۲ تا ۱۸۴)		مالی	
اصل (۱۳۷) برای هر یک از وزیران و ذیل اصل (۱۳۴) و نیز اصل (۱۲۲) برای رئیس‌جمهور قسمت اول اصل (۸۹) و مواد (۲۲۰ تا ۲۲۸) قسمت دوم اصل (۸۹) و مواد (۲۲۹ تا ۲۳۳)	مسئولیت سیاسی رئیس‌جمهور و وزیران استیضاح وزیران استیضاح رئیس‌جمهور	سیاسی	
ماده (۷۲)	بنیادی‌ترین کارکرد مجامع قانونگذار نمایندگی مردم است (راسکین ^۱ و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱۰). «در راستای ایفای هرچه بهتر وظیفه نمایندگی، همچنین حفظ شهن و منزلت مجلس و جایگاه حقیقی نمایندگان، هیئت رئیسه می‌تواند به منظور برقراری ارتباط مؤثر (دیداری، شنیداری و مکتوب) نمایندگان با موکلین و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و نهادهای رسمی و غیررسمی در مرکز حوزه انتخابیه با اختصاص فضای فیزیکی مناسب (دفاتر کار و ملاقات عمومی) هرگونه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مورد نیاز را در شهن نظام جمهوری اسلامی فراهم کند...»		نماینده

* منظور از اصل در این ستون اصل قانون اساسی و مراد از ماده، ماده قانون آیین‌نامه داخلی مجلس است.
مأخذ: هاشمی، ۱۳۷۴: ۲۶۶-۱۵۷.

۵-۱. آموزش سیاسی و مؤلفه‌های آن

آموزش سیاسی به معنای پرورش فضائل، دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای مشارکت سیاسی است و دارای گونه‌ای اولویت و تقدم اخلاقی نسبت به سایر اهداف آموزش عمومی است، زیرا افراد را برای مشارکت فعال در فرایند بازسازی، اصلاح و بهبود آگاهانه جامعه خویش آماده می‌کند (Gutmann, 1989: 287). آموزش سیاسی مفهومی گسترده‌تر از علم سیاست دارد و بر مشارکت و عمل تأکید می‌کند، از این رو به‌طور ذاتی فرایندی غیرآکادمیک^۱ است (Lee, 1997). اولین هدف آن رسیدن افراد به نوعی سواد سیاسی^۲ است. کریک و لیستر^۳ در مقاله «برنامه‌ای برای آموزش سیاسی»، سواد سیاسی را «دانش، مهارت و نگرش‌هایی می‌دانند که افراد برای سواد سیاسی و توانایی به‌کارگیری این سواد (چه مرد و چه زن) لازم دارند» (Ibid.). سواد سیاسی در شکل دانش سیاسی^۴ در کنار نگرش، مهارت و رفتار سیاسی جلوه‌گر می‌شود؛ اگرچه تمامی این مؤلفه‌ها از نظر ماهیت و کارکرد با یکدیگر متفاوت هستند. دانش به‌طور عمده جنبه «شناختی، آگاهی، اطلاع و دانستن» دارد، نگرش جنبه «عاطفی، هیجانی و انگیزشی» در سواد سیاسی است، مهارت شامل توانایی‌هایی است که فرد در حوزه آموزش سیاسی دارد و در نهایت، رفتار سیاسی شامل مجموعه سه‌گانه دانش، نگرش و مهارت سیاسی است که در میدان عمل مانند مشارکت سیاسی و فعالیت‌های اجتماعی، بروز می‌کند و در رفتار فرد نمایان می‌شود (معین‌آبادی و سلطانی، ۱۳۹۴).

از مهمترین کارکردهای نظام احزاب، آموزش سیاسی ناظر بر ایجاد و رشد مجموعه‌ای از شناخت‌ها، عواطف و مهارت‌های سیاسی و اجتماعی در اعضاست. در ادامه مؤلفه‌های چهارگانه آموزش سیاسی شامل دانش، نگرش، مهارت و رفتار سیاسی بررسی می‌شوند.

۱. Non-academic: منظور این است که آموزش سیاسی در محیط‌هایی غیر از محیط‌های رسمی نیز می‌تواند اتفاق بیفتد.

2. Political Literacy

3. Crick and Lister

4. Political Knowledge

۱-۵-۱. دانش سیاسی

دانش سیاسی طیف وسیعی از اطلاعات واقعی و عملی در مورد سیاست است که در حافظه بلندمدت ذخیره می‌شود (Michael, Carpinini and Keeter, 1996: 10). در این تعریف دانش سیاسی هم هدف و هم وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دمکراتیک است و چیزی بیشتر از اطلاعات کم‌مایه و بدیهی است که اساساً برای سرگرمی و یا اهدافی مرتبط با آن به کار می‌روند (Dow, 2009). دانش سیاسی از مفیدترین منابع در شکل دهی مسئولیت‌های شهروندی افراد جامعه است (Wolak and McDevitt, 2011). آگاهی‌های مدنی؛ سواد انتقادی به مسائل سیاسی کشور، آگاهی‌ها و اطلاعات سیاسی، اندیشه‌های آزادی خواهی و عدالت جویی از جمله مصادیق دانش سیاسی به شمار می‌روند.

۱-۵-۲. نگرش سیاسی

افراد در زندگی خود با پدیده‌های گوناگونی سروکار دارند و هنگامی که شناختی از پدیده‌ها به دست می‌آورند، با آنها به شیوه‌های خاصی رفتار می‌کنند. این شیوه خاص رفتار کردن با پدیده‌ها را می‌توان نگرش^۱ نامید. در این موضوع «نگرش» تعیین می‌کند که فرد به قلمرو خاصی از سیاست واکنش نشان می‌دهد یا نمی‌دهد (هرمن، ۱۳۸۵: ۹). از نظر آلموند و وربا «نگرش سیاسی»^۲ تمایلات درونی و روانی افراد در جهت کنش سیاسی است که خود متأثر از عواملی مانند سنت‌ها، خاطرات تاریخی، انگیزه‌ها، عواطف، نهادها و عوامل جامعه‌پذیری است (Almond and Powel, 1989: 13).

۱-۵-۳. مهارت سیاسی^۳

براساس تعریف فریز و همکاران (۲۰۰۷) مهارت سیاسی، توانایی درک مؤثر دیگران در کار و استفاده از دانش سیاسی برای تأثیر در دیگران است برای اینکه به نحوی عمل کنند که

1. Attitude
2. Political Attitude
3. Political Skill

اهداف سازمانی و یا فردی را ارتقا بخشند. این مهارت متشکل از چندین بُعد به هم مرتبط است که عبارت‌اند از:

۱-۳-۵-۱. هوشیاری (زیرکی) اجتماعی^۱

افراد دارای زیرکی اجتماعی قادرند رفتارهای دیگران را تفسیر کنند، موقعیت‌های اجتماعی را درک کنند و در ارتباط با دیگران دارای قوه ابتکار هستند. این شکل از مهارت سیاسی بر توانایی کارکنان برای سنجش بهترین زمان و روش برای شروع تغییر اثر خواهد گذاشت (Kayleeford, 2011).

۱-۳-۵-۲. نفوذ بین فردی^۲

نفوذ بین فردی به توانایی افراد دارای مهارت سیاسی به نفوذ در کسانی که با آنها تعامل دارند، اشاره می‌کند و به معنای توانایی ایجاد تغییرات مطلوب در افراد دیگر است (Kisamore et al., 2010). کسانی که از نفوذ بین فردی بیشتری برخوردارند؛ قادرند به طور راهبردی رفتار خود را با افراد در محیط‌های گوناگون تغییر دهند (Kayleeford, 2011).

۱-۳-۵-۳. توانایی شبکه‌سازی^۳

در این بُعد افراد سیاسی در ایجاد ارتباطات، دوستی‌ها و اتحادها مهارت دارند. افرادی که از توانایی شبکه‌سازی مناسبی برخوردارند، قادرند به گونه‌ای موفقیت‌آمیز مشارکت مؤثر و سودمند با دیگران در محل کار برقرار کنند. توانایی شبکه‌سازی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده روش‌های نفوذ درخواست رو به بالا، ائتلاف‌ها و قاطعیت (جسارت) است (Ferris et al., 2008). این افراد کسانی را که منابع یا ارتباطات سودمندی دارند شناسایی و شبکه‌های اجتماعی با آنها ایجاد می‌کنند (Bing et al., 2011).

-
1. Social Astuteness
 2. Interpersonal Influence
 3. Networking Ability

۴-۳-۵-۱. صداقت آشکارا^۱

این بُعد اشاره به داشتن اعتبار، صداقت و انسجام دارد. از میان چهار بُعد مهارت سیاسی، صداقت آشکارا به بهترین شکل به پتانسیل نفوذ موفقیت‌آمیز توجه دارد (Ferris et al., 2008). به دلیل صمیمیت آشکارا، اعمال آنها به عنوان فریب‌کاری تلقی نمی‌شود و همکاران آنها را قابل اعتماد می‌دانند (Bing et al., 2011). با برخورداری از اعتماد به نفس و امنیت شخصی دیگران را مجذوب خود کرده و به آنها احساس آسودگی القا می‌کنند. افرادی که از نظر سیاسی مهارت دارند نه تنها به طور دقیق می‌دانند در موقعیت‌های اجتماعی مختلف چه کاری انجام دهند، بلکه می‌دانند چگونه آن را انجام دهند تا هرگونه انگیزه خود خدمتی را پنهان کنند و کار آنها به شیوه‌ای اصیل و صادقانه تفسیر شود (Kaylee Ford, 2011). از این رو قابلیت تصمیم‌گیری سیاسی؛ مانند قانونگذاری و وضع سیاست، قدرت تفکر درباره مسائل و سیاست‌های عمومی کشور، مهارت ارزیابی عملکرد نظام سیاسی کشور، قابلیت یادگیری سیاسی و قابلیت جامعه‌پذیری سیاسی از جمله مواردی هستند که در حوزه مهارت‌های سیاسی قرار می‌گیرند.

۴-۵-۱. رفتار سیاسی^۲

رفتار سیاسی، نفوذ ارادی و آگاهانه است که توسط افراد یا گروه‌ها به منظور افزایش و حفاظت از منافع خود (کوتاه‌مدت و بلندمدت) هنگام وجود راه‌حل‌های متضاد صورت می‌گیرد. آلن و همکارانش نیز رفتار سیاسی را عمل تأثیرگذاری برای افزایش یا حفظ منافع فردی یا گروهی ارزیابی می‌کنند (Allen et al., 1979). مواردی چون عضویت و مشارکت در نهادها و گروه‌های اجتماعی، مشارکت‌های اجتماعی در حوزه مسئولیت‌های شهروندی، انفعال داشتن یا نداشتن سیاسی و همکاری برای حل مسائل کشور در حوزه رفتارهای سیاسی قرار می‌گیرند.

1. Apparent Sincerity

2. Political Behavior

۲. یافته‌ها

۲-۱. یافته‌های توصیفی

۲-۱-۱. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر روش تحقیق به صورت توصیفی - پیمایشی است که شامل مراحل زیر است:

۲-۱-۲. مراحل تحقیق

الف) ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات شامل مقاله، کتاب، سایت‌های اینترنتی بوده است که در بخش مطالعات اسنادی استفاده شد.

ب) روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر به دو طریق اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی به دست آمده است. در روش اسنادی با مطالعه مجلات تخصصی، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با تحقیق و مراجعه به مراکز علمی و تحقیقاتی داده‌ها جمع‌آوری و موارد مربوط به مسئله تحقیق و پیشینه تحقیق، مبانی نظری به دست آمد. به منظور تکمیل اطلاعات اسنادی از روش میدانی و پیمایشی نیز استفاده شده است. در روش میدانی تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه با جامعه آماری پژوهش استفاده شده است.

ج) ساماندهی داده‌ها و اطلاعات

در این مرحله پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق منابع اسنادی و مطالعات میدانی، اطلاعات به دست آمده برای استفاده در پژوهش در قالب جداول فراوانی سازماندهی و طبقه‌بندی شد.

د) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات از طریق ابزارهای گردآوری، داده‌های خام از

طریق روش های آماری (توصیفی و استنباطی) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای پردازش اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شد.

۳-۱-۲. جامعه آماری و نمونه و حجم آن

جامعه آماری مورد نظر نخبگان و فعالان حوزه سیاسی هستند. برای تعیین حجم نمونه جامعه نیز از فرمول کوکران استفاده شده که در آن:

$$T \leftarrow 1/96 \text{ ضریب اطمینان (سطح معناداری ۵ درصد)،}$$

$$P \leftarrow 0/6 \text{ نسبتی از جمعیت دارای صفت معین،}$$

$$Q \leftarrow 0/4 \text{ نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین،}$$

$$D \leftarrow 0/05 \text{ احتمال خطای اندازه گیری است.}$$

تعداد حجم نمونه (پرسشنامه) به دست آمده ۳۴۴ نفر تعیین شد.

۲-۱-۴. روش های تحقیق

برای آزمون آماری فرضیه ارائه شده در مقاله از آزمون آماری χ^2 استفاده شده که یکی از مهمترین آزمون های ناپارامتریک است. اساس و پایه این آزمون بررسی فراوانی های مشاهده شده با فراوانی های مورد انتظار است. یعنی می خواهیم بدانیم آیا بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی های مورد انتظار تفاوتی معنادار وجود دارد یا آنکه این تفاوت ناچیز و حاصل شانس است. در واقع می خواهیم بدانیم که بین دو متغیر ارتباطی وجود دارد یا آن دو متغیر مستقل از هم هستند.

۲-۲. یافته های تحلیلی

نتایج مقاله نشان می دهد حدود ۶۰ درصد پاسخگویان پژوهش تمایل بالایی در بهره برداری از نقش آموزش های احزاب سیاسی با تأکید بر آموزش سیاسی در کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی دارند. این امر نشان می دهد طراحان و برنامه ریزان مجلس شورای اسلامی در تهیه طرح های کارآمدسازی مجلس باید نقش آموزش های احزاب را به گونه ای در نظر بگیرند که باعث تسهیل و بهبود کارآمدی مجلس شود.

جدول ۲. تمایل به بهره‌برداری از نقش آموزش‌های احزاب سیاسی در کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر آموزش سیاسی

شرح	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
تعداد	۶	۵	۱۲۱	۱۰۶	۱۰۶
درصد	۱/۷۴	۱/۴۵	۳۵/۲۱	۳۰/۸	۳۰/۸

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

تحلیل روابط آماری میان میزان بهره‌برداری از آموزش‌های احزاب سیاسی و شاخص بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی که از طریق تحلیل خوشه‌ای در سه طبقه ضعیف، متوسط و بالا براساس آزمون همگونی کای دو مبتنی بر جداول توافقی، نشان دهنده وجود رابطه معنادار آماری میان متغیر وابسته کارآمدی مجلس شورای اسلامی و متغیر مستقل کیفیت آموزش‌های احزاب سیاسی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد براساس میزان کیفیت آموزش‌های احزاب سیاسی، رابطه معناداری در شاخص بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی به دست آمده است. جهت این رابطه نیز مثبت برآورد شده است که نشان دهنده وجود رابطه مستقیم است. بنابراین می‌توان گفت با افزایش میزان بهره‌برداری از آموزش‌های احزاب سیاسی، میزان کارآمدی مجلس شورای اسلامی هم افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۳. تحلیل روابط آماری میان میزان بهره‌برداری از آموزش‌های احزاب سیاسی و شاخص بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی، آزمون همگونی کای دو

کل	شاخص بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی			شرح کم
	بالا	متوسط	کم	
۱۰۴	۱۹ (٪۱۸)	۳۵ (٪۳۳)	۵۰ (٪۴۸)	کم
۱۵۰	۳۵ (٪۲۳)	۶۵ (٪۴۳)	۵۰ (٪۳۳)	متوسط
۹۰	۶۰ (٪۶۶)	۱۸ (٪۱۷)	۱۲ (٪۱۳)	بالا
۳۴۴	۱۱۴	۱۱۸	۱۱۲	کل
سطح معناداری		درجه آزادی	ارزش	آماره آزمون کای دو پیرسون
۰/۰۰		۲	۰/۶۶	ضریب همبستگی

مأخذ: همان.

در ادامه و جهت پاسخگویی به سؤال تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی به بررسی آثار آموزش‌های احزاب سیاسی بر شاخص بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد آموزش‌های احزاب سیاسی به صورت معناداری شاخص کارآمدی مجلس شورای اسلامی با ضریب بتای ۰/۴۷ را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۴. آثار آموزش‌های احزاب سیاسی بر کارآمدی مجلس شورای اسلامی

مدل	ضریب غیراستاندارد		ضریب استاندارد	تی	معناداری
	B	خطای استاندارد	بتا		
کارآمدی مجلس شورای اسلامی	۰/۲۲	۰/۰۷	۰/۴۷	۱/۹۵	۰/۰۰

مأخذ: همان.

بنابراین با ضریب اطمینان و اعتبار بالایی می‌توان گفت شاخص آموزش‌های احزاب سیاسی در شاخص بهبود کارآمدی مجلس شورای اسلامی مؤثر است.

۳. تبیین الگوی مفهومی نقش آموزش‌های احزاب در کارآمدی مجلس

در نظام‌های دموکراسی و نیز استبدادی، احزاب کارویژه‌های مهمی را به اجرا می‌گذارند که باعث حفظ یکپارچگی نظام سیاسی و کارآمدی آن می‌شوند (راسکین و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۸). حزب‌های سیاسی بین حکومت و مردم پل می‌زنند و می‌کوشند انتخاب‌کنندگان را آموزش و آگاهی دهند و به فعالیت وادارند (بال و گای پیترز، ۱۳۸۴: ۱۲۳). هافمیستر و گرابو نیز «وساطت و میانجی‌گری بین مردم و حکومت» را از جمله کارکردهای احزاب سیاسی در نظام‌های دموکراتیک برمی‌شمارند (Hofmiester and Grabow, 2011: 16).

به‌رحال احزاب سیاسی به‌عنوان یکی از مهمترین ارکان جامعه مدنی^۱ و وظیفه وساطت میان جامعه و حکومت را برعهده دارند. این احزاب از سویی نیازها، خواست‌ها و مطالبات

جامعه را شناسایی و ساماندهی کرده و به حاکمیت منتقل می‌کنند که کار حکومت نیز در تصمیم‌گیری بسیار آسان‌تر می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۸) و از سوی دیگر در شکل‌دهی به پاسخ‌های حاکمیت به مطالبات و ارائه آنها به جامعه نقش‌آفرینی می‌کنند.

مهمترین مطالبات و خواسته‌های جامعه از حکومت را می‌توان در مقوله‌هایی چون برقراری نظم و امنیت عمومی، اجرای عدالت، ایجاد رفاه و... خلاصه کرد. برآورده کردن بهینه این انتظارات مستلزم آن است که دولت از کارآمدی لازم برخوردار باشد. دولت برای ارتقای کارآمدی می‌بایست ظرفیت‌های عمومی و سیاسی خود را گسترش دهد. گسترش ظرفیت‌های سیاسی به معنای توسعه سیاسی است که یکی از مهمترین مؤلفه‌های آن مشارکت سیاسی به‌عنوان شرط توسعه سیاسی است (بشیریه، ۱۳۸۳: ۵۸۱). ساده‌ترین شکل مشارکت سیاسی رأی دادن شهروندان به احزاب، افراد و سیاست‌هاست (همان، ۱۳۸۴: ۳۷۵). این مشارکت زمانی مؤثر است که از حالت توده‌ای خارج شده و به حدی از نظام‌مندی برسد که ظرفیت بسیج سیاسی را بالا ببرد. نظام‌مند کردن مشارکت در گرو وجود و فعالیت احزاب است. به تعبیر «بشیریه» مشارکت سیاسی مطلوب، مشارکت گروه‌های خودجوش، سازمان‌یافته و آزاد است که می‌تواند در متن جامعه مدنی تکوین یابد (۱۳۸۳: ۷۵۵). اما دولت برای ارتقای ظرفیت‌های عمومی خود به همراهی و همکاری جامعه نیاز دارد، به‌نحوی که بتواند بخشی از منابع خود را تأمین کرده (مثلاً از طریق مالیات‌گیری) و هزینه‌های کمتری را بابت برقراری نظم و امنیت عمومی بپردازد؛ بنابراین دولت نیز از جامعه انتظار همکاری و اعتماد را دارد و بدون پشتوانه همراهی مردمی قادر به پیشبرد اهداف خود نخواهد بود.

مؤلفه مهمی که هم بر همراهی جامعه با دولت و هم بر ارتقای کارآمدی تأثیر می‌گذارد، عقلانیت و مناسب بودن سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که مجلس طراحی می‌کند. در اینجا ضرورت وجود مجلس کارآمد مطرح می‌شود، چرا که مجلس اصلی‌ترین نهاد سیاست‌گذاری در کشور بوده و گذشته از اینکه با تصویب قوانین مؤثر می‌تواند کارآمدی نظام را افزایش دهد، به واسطه نقش نظارتی که دارد نیز بر بهبود عملکرد نهادهای اجرایی و به تبع ارتقای کارایی و ظرفیت‌های نظام نیز تأثیر می‌گذارد.

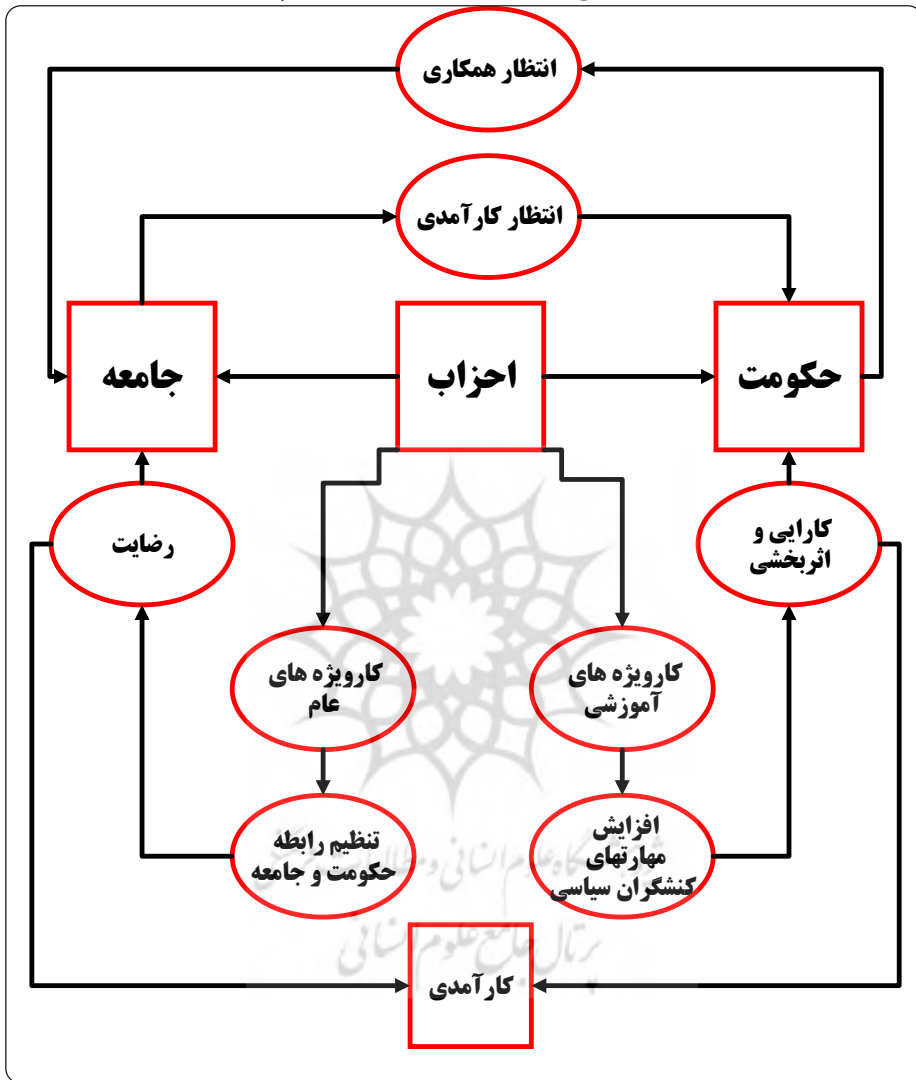
عاملی که باعث می‌شود مجلس بتواند رسالت خطیر خود را به خوبی انجام دهد، وجود نمایندگانی است که علاوه بر تخصص و تبحر در زمینه‌های مختلف و آشنایی کامل با مسائل، نیازها و چالش‌های جامعه، از مهارت‌های سیاسی کافی نیز برخوردار باشند. این مهارت‌ها که ابعادی چون توان چانه‌زنی و گفتگو، مهارت اقناع کردن، توان تصمیم‌گیری سریع و آینده‌نگرانه و... را دربرمی‌گیرند، مسائلی نیستند که فقط با تحصیلات دانشگاهی به دست آیند (هرچند تحصیلات دانشگاهی نقش مهمی در پروراندن آنها دارند) و نیز نمی‌توان دوره نمایندگی را به فرصتی برای یادگیری آنها تبدیل کرد. بستر یادگیری و ارتقای این مهارت‌ها احزاب سیاسی هستند که یکی از مهمترین کارویژه‌های آنها آموزش سیاسی است.

اگرچه آموزش سیاسی از مجاری متعددی صورت می‌گیرد که مطبوعات، رادیو و تلویزیون، مدارس و دانشگاه‌ها از مهمترین مراکز و عوامل آن به شمار می‌روند، اما آموزش از طریق رسانه ممکن است فقط به ارتقای دانش افراد کمک کند و آموزش‌های دانشگاهی در حد یک آموزش آکادمیک باقی بماند؛ درحالی‌که آموزش‌های حزبی تا حد زیادی با عمل توأم است به ویژه که ورود به صحنه سیاست بیشتر با راهبرد، روش و شگردهای خاصی همراه است که در مجامع دانشگاهی کمتر از آن بحث می‌شود (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۴). شیوه‌های مقابله با حریف، استفاده از ابزارها و امکانات و خنثی کردن عملیات رقیب نکاتی نیست که در کتب درسی یا مطبوعات به آن پرداخته شود و اگر هم پرداخته شود چیزی جز شرح عملیات انجام شده از طرف گروه‌ها و احزاب نیست (همان). آموزش سیاسی احزاب، آموزش هنر مبارزه سیاسی توأم با عمل و همراه با راهبرد، روش و شگردهای خاصی است (Hofmiester and Grabow, 2011: 37-38).

آموزش سیاسی با بالا بردن دانش سیاسی فرد باعث درک درست، عمیق و واقع‌گرایانه از مسائل است. زمانی که درک از مسائل واقع‌گرایانه باشد نگرش‌های سیاسی افراد نیز واقع‌گرایانه شده و تصمیم‌گیری نیز بر مبنای آمیزه‌ای متعادل از واقعیت‌ها، چالش‌ها، منابع، فرصت‌ها و آرمان‌ها صورت خواهد گرفت. نتیجه چنین چرخه‌ای نوعی از رفتارهای سیاسی خواهد بود که با پرهیز از افراط و تفریط و توجه به مصالح و منافع جامعه، رضایت و اعتماد عمومی را در جامعه بالا می‌برد.

مسئله مهم دیگر این است که در نظام سیاسی ما، نمایندگان مجلس سه وظیفه نمایندگی، قانونگذاری و نظارت را عهده‌دار هستند. در ذیل وظیفه نمایندگی آنها اموری چون شناخت چالش‌ها و مشکلات و فرصت‌های حوزه انتخابیه و انتقال آنها به نهادهای تصمیم‌گیری و نیز ملاقات‌های عمومی و مردمی قرار می‌گیرد. این مسئله باعث می‌شود عموم مردم این باور و احساس را داشته باشند که کانالی برای رساندن صدای خود به حاکمیت را دارند و از طرفی یک نماینده کارآمد و آموزش‌دیده در صورتی که مهارت‌های سیاسی کافی را داشته باشد می‌تواند با ارتباط مؤثر با موکلان خود بخشی از مشکلات و چالش‌های پیش روی دولت و چرایی تصمیمات دولت را برای آنها تشریح کرده و از انتظارات و توقعات غیرواقع‌بینانه آنها بکاهد. انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای که می‌تواند شکاف میان دولت و جامعه را افزایش دهد اما همه اینها منوط به آن است که نمایندگان قبلاً از طریق فعالیت‌های حزبی با منطق و سازوکارهای فعالیت سیاسی آشنا شده و مهارت‌های سیاسی لازم را کسب کرده باشند؛ بنابراین می‌توان گفت که احزاب سیاسی قوی از سویی با تنظیم رابطه میان حکومت و جامعه می‌توانند میزان رضایت عمومی را افزایش دهند که این رضایت خود ضامن دوام نظام سیاسی است و از سوی دیگر به واسطه آموزش و مطالبه‌گری از دولت به بهبود کارایی و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت کمک کنند. نتیجه نهایی تلفیق اثربخشی و رضایت، ارتقای بیش از پیش کارآمدی است که ظرفیت‌های نظام سیاسی را گسترش داده و استمرار آن را تضمین می‌کند.

شکل ۱. مدل مفهومی جایگاه و کارویژه‌های احزاب و پیامدهای آنها



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در همه نظام‌های سیاسی، فارغ از نوع آن، مجلس یکی از نهادهای اساسی و تأثیرگذار

است که مهمترین نهاد سیاسی هر کشوری است. این نهاد کارویژه‌های متعددی نظیر قانونگذاری، نظارت، نمایندگی، بودجه، سیاستگذاری و ... دارد. مجلس شورای اسلامی با توجه به نص صریح قانون اساسی و مسئولیت‌ها، وظایف و کارکردهایش در رأس همه نهادهای سیاستگذاری ایران قرار دارد و طبق قانون اساسی قابل انحلال نیست.

با توجه به این جایگاه قدرتمند؛ نمایندگان مجلس برای انجام وظیفه و مسئولیت خطیر خود به ویژگی‌ها، صلاحیت‌ها و توانمندی‌ها و در یک کلمه شایستگی‌های خاصی نیازمندند. شایستگی ترکیبی از دانش ضمنی، دانش صریح، رفتار و مهارت‌هایی است که به فرد این توانایی را می‌دهد که کار خود را به صورت اثربخش و کارا انجام دهد (Draganidis and Mentzas, 2006). اساساً موفقیت هر سازمانی مدیون دو امر اساسی است: اول، انتخاب صحیح و آموزش کارکنان و دوم، کارکرد و عملکرد کاری آنان که هر دو مرتبط با توانمندسازی است (Greasley et al., 2008). ارتقای شایستگی‌ها و توانمندی‌های نمایندگان مستلزم آموزش و تربیت آنان است. بهبود شایستگی و توانمندی باعث بهبود عملکرد مجلس خواهد بود (فیاضی و حق شناس گرگانی، ۱۳۹۶: ۴ به نقل از Mandelbaum and Swislow, 2016). در صورت وجود نمایندگانی ناتوان و ناشایست با مجلسی ضعیف و ناکارآمد روبه‌رو خواهیم بود و برعکس در صورت وجود نمایندگانی توانا با مجلسی مؤثر مواجه خواهیم شد (Coghill et al., 2007). مجلسی که می‌تواند تصمیمات بهتر و اثرگذارتری بگیرد (Sandberg, 2000).

ازسوی دیگر در به دلیل ضعف نهادینگی نظام‌های دولتی کشورهای در حال توسعه که کشور ما نیز در زمره آن است، این نخبگان هستند که حرف آخر را می‌زنند و نقش حیاتی دارند؛ برخلاف نظام‌های اداری کشورهای توسعه یافته که در آنها خود سیستم اصالت دارد و ادامه حیات و عملکرد آن وابسته به رهبران نیست و بقا و عملکرد سیستم‌های جهان سومی مدیون نخبگان است (حسینی، ۱۳۷۸: ۱۰۶). «در چنین شرایطی، اهمیت نخبگان و رهبرانی که قدرت برانگیختن اقدام مؤثر و کنترل و هدایت وقایع را داشته باشند به شدت افزایش می‌یابد. فقدان تجربه توده مردم در زمینه سازماندهی سیاسی و اجتماعی نیز باعث

افزایش باز هم بیشتر این دسته می شود چرا که توده مردم در بسیاری از موارد توسط حکام مستبد بومی یا خارجی تحت انقیاد و انفعال نگه داشته شده بودند» (باتامور، ۱۳۷۱: ۱۰۵). سؤال اینجاست که این نخبگان را چگونه باید تربیت کرد و از کجا باید تأمین کرد؟ بخشی از این مهم و شاید اصلی ترین قسمت آن به عهده احزاب است. احزاب چه برای اداره امور خود نظیر سازماندهی اجزای مختلف حزب و اداره آنها، کسب حمایت مردمی، حل مشکلات مالی، نقد سیاست های دولت و تدوین سیاست ها و برنامه های پیشنهادی برای اداره امور کشور و چه برای آماده سازی نمایندگان، رهبران و مدیران دولتی؛ به شناسایی، گزینش و تربیت افراد مستعد اقدام می کنند. تجربه نشان می دهد افرادی که عضو یک حزب یا گروه و جریان سیاسی بوده اند نسبت به افرادی که نبوده اند به مراتب از حساسیت سیاسی بیشتری برخوردار بوده و توان تجزیه و تحلیل آنها از رویدادهای سیاسی افزون تر است. چه بسا افرادی که فاقد تحصیلات عالیه بوده اند ولی به دلیل عضویت در یک حزب که خود به منزله دانشگاه سیاست عملی است، از کیفیت بالایی برخوردار شده اند. نمونه این امر پی بره گووا نخست وزیر اسبق فرانسه در دولت میتران بود که از زمان کارگری به عضویت حزب سوسیالیست درآمد و تا جایی پیش رفت که به نخست وزیری فرانسه رسید (نقیب زاده، ۱۳۷۸: ۷۱).

البته در مورد جامعه ایران باید توجه داشت که عوامل متعددی باعث می شوند تا احزاب سیاسی نتوانند کارویژه های خود را ایفا کنند؛ عواملی از قبیل ساختار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران، استبداد و خودکامگی، فقدان طبقات واقعی در جامعه ایران، مناسبات و ساختارهای اجتماعی مبتنی بر محلی گرایی و منطقه ای و ضعف جامعه مدنی در ایران (مدیرشانه چی، ۱۳۷۸: ۳۷۴-۳۶۳). نکته پایانی اینکه کارآمدی مجلس را نمی توان صرفاً در کارآمدی آحاد نمایندگان جستجو کرد بلکه بخشی از آن نیز مرتبط با نقش مجلس شورای اسلامی و مدیریت آن است که مطابق آیین نامه داخلی مجلس برعهده هیئت رئیسه مجلس است. تفصیل این مطلب خود موضوع جداگانه ای است که مجال دیگری را می طلبد.

در نهایت وجود احزاب سیاسی ریشه دار و دارای شناسنامه که حدود، ثغور، برنامه های

مدیریتی و ایده‌های آنها در علم اداره مشخص است، می‌تواند پشتیبان محکمی برای پرورش و تربیت هر کدام از نمایندگان مجلس باشد. هر کدام از احزاب مجبور خواهند بود افراد منسوب به حزب خود را در مجلس تقویت کرده و ضمن کمک به آنان، آنها را به انجام وظیفه متعهد کنند تا بتوانند کرسی‌های خود را در انتخابات بعدی مجلس حفظ کنند. در این راستا فرهنگ‌سازی برای ضرورت نظام حزبی از طریق جراید، مطبوعات، رسانه ملی و تغییر برخی قوانین و مقررات کاندیدا شدن نمایندگان براساس شایستگی توصیه می‌شود.



منابع و مآخذ

۱. آقابخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۲. ابراهیم آبادی، غلامرضا (۱۳۹۴). «نقش و جایگاه احزاب در تقویت و کارآمدی مجالس قانونگذاری»، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۴۲۴۸.
۳. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۴). مبانی سیاست، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات توس.
۴. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۸). «احزاب، ثبات سیاسی و امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۴.
۵. اسماعیلی، محمودرضا، رضا سپهوند، حجت وحدتی و محسن عارف‌نژاد (۱۳۹۵). «شناسایی شایستگی‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی با استفاده از روش دلفی فازی»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ش ۲۶.
۶. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۹). پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، تهران، سروش.
۷. باتامور، تی. بی. (۱۳۷۱). نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. بال، آلن و ب. گای پیترز (۱۳۸۴). سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر قومس.
۹. بشیریه، حسین (۱۳۸۳). عقل در سیاست، تهران، نشر نگاه معاصر.
۱۰. — (۱۳۸۴). آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی)، چاپ چهارم، تهران، نشر نگاه معاصر.
۱۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
۱۲. حبیبی، حسن (۱۳۶۴). «رابطه سیاسی مجلس و قوه مجریه»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱.
۱۳. حسینی، حسین (۱۳۷۸). حزب و توسعه سیاسی، تهران، نشر آمن.
۱۴. دانایی‌فر، حسن، عادل آذر و مهدی شیرزادی (۱۳۹۱). «چارچوبی برای شناسایی شایستگی‌های خط‌مشی‌گذاران ملی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۹، ش ۷۰.
۱۵. دلیر، بهرام (۱۳۸۸). «فقه و نمایندگی»، مجله علوم سیاسی، ش ۴۷.
۱۶. دوورژه، موریس (۱۳۷۵). احزاب سیاسی، ترجمه رضا علومی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، جلد ۱۳، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. راسکین، مایکل و همکاران (۱۳۹۳). نگاهی نوبه مبانی علم سیاست، ترجمه علیرضا سمیعی اصفهانی، تهران، نشر مخاطب.

۱۹. رضایی مهر، حسین (۱۳۸۰). «تأملی در باب مشروعیت حکومت دینی»، روزنامه کیهان، شماره ۱۷۱۳۳۰.
۲۰. رضائیان، علی (۱۳۷۹). *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران، سمت.
۲۱. عمید، حسن (۱۳۶۳). *فرهنگ عمید (دو جلدی)*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۲. غلامی، احمد (۱۳۹۷). «گفتگو با پرویز پیران، دور باطل سیاست‌زدگی»، *روزنامه شرق*، سال ۱۶، ش ۳۳۱۸.
۲۳. فیاضی، بی‌بی مرجان و محمد حق شناس گرگانی (۱۳۹۶). «شناسایی راهبردهای توانمندسازی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران»، *مدیریت دولتی*، دوره ۹، ش ۱.
۲۴. لیپست، سیمور مارتین (۱۳۷۴). «مشروعیت و کارآمدی»، *فرهنگ توسعه*، ترجمه رضا زبیب، سال ۴، ش ۱۸.
۲۵. مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۸). «موانع تکوین احزاب سیاسی در ایران»، *تحزب و توسعه سیاسی*، کتاب دوم، *تحزب در ایران*، تهران، انتشارات همشهری.
۲۶. مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی (۱۳۷۳). *فرهنگ اقتصادی*، تهران، مؤسسه کتاب پیشرو و انتشارات نگاه.
۲۷. معین‌آبادی، حسین و اصغر سلطانی (۱۳۹۴). «بررسی نقش دانشگاه در بهبود مؤلفه‌های آموزش سیاسی دانشجویان، مطالعه موردی: دانشگاه شهید باهنر کرمان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، دوره ۱۰، سال ۱۱، ش ۱.
۲۸. معینی، صغری (۱۳۷۰). *فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان*، تهران، وزارت کشاورزی.
۲۹. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸). *صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی*، جلد هفدهم، تهران.
۳۰. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸). *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز*، تهران، نشر دادگستر.
۳۱. _____ (۱۳۸۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ سوم، تهران، نشر دادگستر.
۳۲. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*، تهران، نشر گستره.
۳۳. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۴). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد دوم، قم، مجتمع آموزش عالی قم.
۳۴. هرمن، مارگارت جی. (۱۳۸۵). *روانشناسی سیاسی مسائل و موضوع‌های معاصر*، ترجمه مجتبی تمدنی، تهران، نشر آتی.

35. Alexander, J.C. (1990). "Core Solidarity, Ethnic out Groups and Social Differentiation", in J. S. Alexander and P. Colomy (eds), *Differentiation Theory and Social Change; Comparative and Historical Perspectives*, New York, Colombia University Press.

36. Allen, R., D. Madison, L. Porter, P. Renwick and B. Mayes (1979). "Organizational Politics: Tactics and Characteristics of Its Actors", *California Management Review*, 22.
37. Almond, G.A. and S. Verba (1989). *The Civic Culture Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, London, Sage Publications.
38. Almond, G.A. and B. Powell (1966). *Comparative Politics a Development Approach*, Boston, Little Brown and Company.
39. Bing, M.N., H. Davison, I. Minor, M. Novicevic and D. Frink (2011). "The Preception of Task and Contextual Performance by Political Skill: A Meta-analysis and Moderator Test", *Journal of Vocational Behavior*, 79, No. 2.
40. Coghill, K., P. Holland, R. Donohue, K. Rozzoli and G. Grant (2007). "Professional Development Programs for Members of Parliament", *Parliamentary Affairs*, 61(1).
41. Dow, J. K. (2009). "Gender Differences in Political Knowledge: Distinguishing Characteristics-Based and Return-Based Differences", *Political Behavior*, No. 31.
42. Draganidis, F. and G. Mentzas (2006). "Competency Based Management: A Review of Systems and Approaches", *Information Management and Computer Security*, 14(1).
43. Ferris, G. R., J. Solga, D. Noethen and J.A. Meurs (2008). "Political Skill Construct and Criterion Related Validation: A Two Study Investigation", *Journal of Managerial Psychology*, 23(7).
44. Ferris, G. R., D. C Treadway, P. L. Perrewe, R. L. Brouer, C. Ouglas and S. Lux (2007). "Political Skill in Organizations", *Journal of Management*, 33(3).
45. Greasley, K., A. Bryman, A. Danity, A. Price, N. Naismith and R. Soetanto (2008). "Understanding Empowerment From an Employee Perspective: What does it Mean and do They Want it?", *Team Performance Management: An International Journal*, 14(1/2).
46. Gutmann, Amy (1989). *Democratic Education*, Princeton University Press, New Jersey.

47. Hofmiester Wilhelm and Karsten Grabow (2011). *Political Parties: Functions and Organization in Democratic Societies*, Konard Adenauer Stiftung, Singapore.
48. Kayleeford, D. (2011). "An Evaluation of Moderating Influences of Employee Proactive Personality: Empowerment and Political Skill", (PHD Dissertation), Portland State University.
49. Kisamore J.L., I. M. J., W L. Eric, L.M. Tagonei and H. S. Thomas (2010). "Conflict and Abusive Workplace Behaviors: The Moderating Effects of Social Competencies", *Career Development International*, 15, No. 6.
50. Lavau, Georges (1969). "Partis et Systemes Politiques: Interaction et Fonctions", *Revue Canadienne de Science Politique*, Mais.
51. Lee, S. (1997). "Political Education and Civil Education-The British Perspective and the Hong Kong Perspective", *International Journal of Educational Development*, 7(4).
52. Merce, Peter (1970). *Modern Comparative Politics*, New York, Holt, Rinehart and Winston.
53. Merton, Robert K. (1956). *Elements de Theorie et de Methode Sociologique*, Paris, Plon.
54. Michael, X., Delli Carpini and Scot Keeter (1996). *What Americans Know about Politics and Why it Matters*, New Haven, Yale University Press.
55. Palmer, Monte (1989). *Dilemmas of Political Development: An Introduction to the Politics of Developing Areas*, Itasca, Peacock Publishers.
56. Sandberg, J. (2000). "Understanding Human Competence at Work: an Interpretative Approach", *Academy of Management Journal*, 43(1).
57. Wolak, J. and M. McDevitt (2011) "The Roots of the Gender Gap in Political Knowledge in Adolescence", *Political Behavior*, 33.